

یک روز فرانکلین و حلزون داشتند کتاب «دایناروی قهرمان» را می خواندند.

فرانکلین فریاد زد: «نگاه کن، حلزون، دایناروی قهرمان با یک حرکت قدرتمند کوالا را از وسط شن های روان بیرون می کشد!»
حلزون با شادی آه کشید و گفت: «دایناروی قهرمان حرف ندارد.»
فرانکلین گفت: «من می خواهم به اندازه ی او قوی باشم.»
حلزون گفت: «من می خواهم مثل او سریع باشم.»



